یادداشت

رابین بیرنر

چرا آمدن مربی آرژانتینی به سود پاری‌سن‌ژرمن است؟

پوچتینو نه آرتتا است و نه سولشر

موریسیو پوچتینو هنگامی که به عنوان مربی به پارک دپرنس برگردد، درمی‌یابد که پاری‌سن‌ژرمن با باشگاهی که در سال ۲۰۰۳ ترکش کرد بسیار متفاوت شده است.

پاریسی‌ها در آن هنگام رو به افول بودند. آنها در لیگ یک یازدهم شده بودند و ۱۴ امتیاز با لیون صدرنشین فاصله داشتند. به این ترتیب یک فصل دیگر را به دور از اروپا می‌گذراندند.

پوچتینو پایتخت فرانسه را بی‌سروصدا ترک کرد و به صورت آزاد به بوردو پیوست. در آن زمان، همه توجه‌ها معطوف رونالدینیو بود که از پی‌اس‌جی به بارسلونا پیوسته بود.

پوچتینو حالا در شرایطی بهتر به پی‌اس‌جی برمی‌گردد. آنها در سه فصل اخیر قهرمان فرانسه شده‌اند و حالا توماس توخل، مربی‌شان راپس از پیروزی چهاربر صفر مقابل استراسبورگ و تنها چهار ماه پس از تجربه اولین فینال لیگ قهرمانان تاریخشان اخراج کرده‌اند.

پی‌اس‌جی البته نزدیک بود از مسابقات این فصل لیگ قهرمانان حذف شود و در لیگ هم سوم است. آنها همچنین امیدوارند که بهترین بازیکن ۱۵ سال اخیر، یعنی لیونل مسی راپس از پایان قراردادش با بارسلونا به خدمت بگیرند.

آمدن پوچتینو از جنبه دیگری نیز اهمیت دارد. او اولین مربی این یک دهه ریاست قطری‌ها است که سابقه بازی در پایتخت فرانسه را دارد. این برای طرفداران قدیمی باشگاه اهمیتی نمادین دارد، ولی آمدن او از سمت دیگر به این معناست که پی‌اس‌جی می‌خواهد فاتح اروپا شود.

برخلاف اوله گونار سولشر، میکل آرتتا و آندره آپیرلو، انتخاب او به عنوان مربی جنبه احساساتی نداشته است. پوچتینو پیش از این خود را به عنوان یک مربی بزرگ اثبات کرده و سابقه بازی در پی‌اس‌جی هم تنها یک امتیاز برایش حساب می‌شود.

لوییس فرناندز که در دوران حضور پوچتینو به عنوان بازیکن، مربی‌اش بود، می‌گوید: «او خانه را می‌شناسد. او باشگاه را می‌شناسد اما از جنبه‌ای دیگر، او می‌تواند به بهترین شکل با بازیکنان صحبت کند و کاری کند که آنها هم نظراتشان را بگویند. وقتی که مربی مانند موریسیو داشته باشید، دوست دارید برای او بجنگید.»

سایه او مدتی بود که بر سر پارک دپرنس دیده می‌شد. قرارداد توخل در پایان فصل منقضی می‌شد و پس از شکست مقابل بایرن مونیخ در فینال لیگ قهرمانان، احتمال رفتنش وجود داشت. رابطه او با لئوناردو، مدیر ورزشی باشگاه هم خوب نبود و در پنجره نقل و انتقالات بدتر هم شد، چرا که این مربی آلمانی علناً به این قهرمان جام جهانی ۱۹۹۴ تاخت.

زمانی که عملکرد تیم در چند ماه اول فصل افت کرد، اوضاع توخل هم بدتر شد. زمان اخراج او که پنج روز پیش بود، ممکن است از دید ناظران بیرونی غافلگیرکننده باشد اما این زمانی منطقی برای تغییر بود.

در جریان نقل و انتقالات ژانویه، بسیار سخت بتوان تیم را تقویت کرد و بازیکنان باارزشی را خریداری کرد. در نتیجه، پی‌اس‌جی تصمیم گرفت توخل را شش ماه زودتر از پایان قراردادش اخراج کند. این کار به آنها ۷ میلیون یورو ضرر زد، ولی آنها مربی را جذب کردند که بسیاری از باشگاه‌های بزرگ که مربیانشان اوضاع متزلزلی دارند، او را در نظر داشته‌اند.

کل کادر فنی باشگاه پاری‌سن‌ژرمن عوض خواهد شد. این کار البته هزینه‌های خود را دارد که کمتر از قیمت خرید یک یا دو بازیکن با قیمت بالا برای نوسازی تیم توخل بود. پوچتینو به این مشهور است که بهترین عملکرد را از بازیکنان تیمش می‌گیرد. او تاتنهام را در حالی به فینال لیگ قهرمانان رساند که باشگاه در دو پنجره نقل و انتقالات قبلی حتی یک بازیکن هم جذب نکرده بود.

او همچنین در پنج سال حضور در اسپرز، بیش از ۵۴ درصد بازی‌هایش در تمامی رقابت‌ها را برد و سبک بازی تهاجمی و جنگنده او برای طرفداران باشگاه پاریسی که هم بازی زیبا می‌خواهند و هم نتیجه، جذاب است.

آمدن این بازیکن سابق نوولز اولد بویز و تیم ملی آرژانتین کمک می‌کند که پی‌اس‌جی بتواند مسی را متقاعد کند که کاتالونیا را ترک کند. پوچتینو یک خانه در کاتالونیا دارد.

البته چنین تغییرات بزرگی ریسک‌های خود را هم دارد. نیمار و کیلیان امباپه نسبت به سبک بازی محبوب پوچتینو که مبتنی بر پرس سنگین است، چه واکنشی نشان خواهند داد؟ آیا این مربی می‌تواند بهترین عملکرد را از مدافعان کناری تیم جدیدش بگیرد؟ اگر نه، چه سیستمی را انتخاب خواهد کرد؟

اما این انتقال برای هر دو طرف خوب است و می‌تواند جایگاه پی‌اس‌جی را در میان بزرگان اروپا تثبیت کند. این همان باشگاهی نیست که پوچتینو ۱۵ سال پیش ترکش کرد و همین نکته مثبتی است.

منبع: سایت گل

بحران بزرگ بارسلونا

خشکیدن درخت جادویی لاماسیا

گزارش
پیت جنسن

بارسلونا در حال حاضر در هر دو سر باشگاه مشکلاتی دارد و کاندیداهای ریاست باشگاه تلاش می‌کنند هواداران را نسبت به توانایی‌شان برای حل مشکلات متقاعد کنند. درست است که لیونل مسی می‌خواست در تابستان برود و سه بازیکن بزرگی که قرار بود کمک حال او باشند یعنی فیلیپه کوتینیو، آنتوان گریزمان و عثمان دمبله یک شکست کامل بوده‌اند اما این مشکل کوچکتر است؛ درخت جادویی آکادمی معروف لاماسیا خشکیده و دیگر برای تیم اول باشگاه بازیکن تولید نمی‌کند.

این البته پدیده جدیدی نیست، در سال‌های اخیر تنها سرخی روبرتو توانسته از آکادمی به تیم اول راه یابد و بازیکن ثابت شود. آنسو فاتی که فعلاً مصدوم است، در چنین مسیری قرار داشت و پدری، اسکار مینگوئسا و رونالد آرائوخو سه تا از بازیکنان درخشان این فصل بوده‌اند هرچند آرائوخو و پدری به عنوان جوانانی آینده‌دار خریداری شدند برخلاف سیاست آکادمی که مبتنی بر استعدادیابی در میان نونهالان و پیشرفت دادن آنها در گروه‌های سنی بالاتر بود.

مشکل مضاعف این است که خلأهای ایجاد شده از نبود تولید بازیکن در آکادمی را دیگر نمی‌توان با خریدن جبران کرد چون باشگاه دیگر پولی ندارد و با افت بازیکنان قدیمی، ضرورت یافتن جانشین بیشتر احساس می‌شود. بارسلونا به یک جرارد پیکه و یک سرخیو بوسکتس جدید نیاز دارد اما وقتی تیم ب باشگاه در چهار تا از پنج فصل اخیر در دسته سوم است، بازیکنان زیادی نیستند که جای این اسطوره‌ها را بگیرند.

بخشی از مشکل، نگاه هیأت مدیره به تیم ب است. بازیکنان تیم بیشتر فروخته شدند تا پرورش یابند با این هدف که راه را برای خریدهای گرانقیمت از بیرون هموار کنند. این نگرش در پایان فصل قبل که مربی تیم جوانان، فرانسیسکو گارسیا پیمینتا با کارفوق العاده خود تیم ب را به پلی آف صعود به دسته دو رساند اما به سابادل باختند، مشهود است. فاتی، آرائوخو و ریکی پویگ می‌توانستند از تیم اول به تیم ب فرستاده شوند تا به صعودشان کمک کنند اما در نهایت فقط آرائوخو، مدافع میانی اروگوئه‌ای، فرستاده شد. به پویگ و فاتی اجازه ندادند و آنها در باخت ۸ بر ۲ برابر بایرن مونیخ روی نیمکت بارسلونا بودند.

دو نامزد پرشانس ریاست بارسلونا، خوان لاپورتا و ویکتور فونت هر دو برای بازگرداندن آکادمی به صدر اولویت‌های باشگاه اعلام آمادگی و ابراز تمایل کرده‌اند اما بازیکنان زیادی از آکادمی در سال‌های اخیر ترجیح داده‌اند به تیم‌های دیگر بروند چون در تیم اول فرصتی به دست نمی‌آورند و بارسلونا که ۴۰۰ میلیون یورو برای دمبله، کوتینیو و گریزمان پرداخت کرده، دیگر پولی برای حفظ بازیکنان جوان و تقویت تیم ب با خریدن بازیکنان با استعداد از سایر تیم‌های دسته سومی ندارد. لاپورتا می‌خواهد لاماسیا جایگاه سابقش را دوباره به دست آورد: «اینجا باید مهم‌ترین جای باشگاه باشد. ما یک روش جدید می‌خواهیم که لاماسیا بتواند مرکز درخشش باشگاه و الگویی برای همه دنیا باشد. این تمرکز اصلی ما است.»

یکی از بزرگترین محصولات لاماسیا، ژاوی ارناندس هنوز به هیچ یک از کاندیداها نزدیک نشده اما هم فونت و هم لاپورتا احساس می‌کنند او دیر یا زود به بارسا برمی‌گردد و وقتی این اتفاق بیفتد، به دنبال جذب بازیکن از آکادمی خواهد بود. احتمالاً او مثل پپ گواردیولا و لوییس انریکه که از تیم ب شروع کردند و با تیم اول سه‌گانه قهرمانی بردند، نخواهد بود. بعد از انتخابات ۵ بهمن و مشخص شدن رئیس بارسلونا، نقش او مشخص‌تر خواهد شد.

این امید در میان هواداران بارسلونا وجود دارد که بازیکنان سابق دیگر یا بازیکنانی که سال‌های آخر حرفه خود را سپری می‌کنند، به مربیگری علاقه نشان دهند و نقش خودشان را بازی کنند، این چیزی است که آندرس اینیستا هرگز رد نکرده. او که ایوان راکیتیچ یک بار گفته بود نام لاماسیا را باید به نامش تغییر دهند، عالی‌ترین نمونه از کاری است که باید انجام شود، یعنی جمع کردن بهترین استعدادها از سراسر اسپانیا و تبدیل کردن آنها به فوتبالیست‌های جوان آموزش دیده و کارآمدی که به باشگاه احساس تعلق دارند.

با ناکامی فصل گذشته تیم ب، بازیکنانی از این تیم جدا شدند و اگر این روند ادامه پیدا کند، استعدادهای بیشتری جدا می‌شوند. فاصله کیفی میان دسته دوم و سوم لیگ اسپانیا بسیار زیاد است و ناکامی در صعود به دسته دوم ضربه روحی بزرگی به بازیکنان وارد می‌کند.

تیم ب بارسلونا در این مشکل تنها نیست. از ۲۱ باشگاهی که تیم ب دارند، هیچ کدام در دسته دوم نیستند. وضعیت رئال مادرید و اتلتیکو مادرید هم بهتر نیست با آنکه اولی، رائول را به عنوان مربی انتخاب کرده است اما شعار بارسلونا، «بیشتر از یک باشگاه» این آسیب را برایشان جدی‌تر کرده. آنها همیشه رئال مادرید را مسخره می‌کردند که باید بازیکن بخرد در حالی که بارسلونا در لاماسیا بازیکن می‌سازد.

صحبت‌های زیادی هست درباره نوسازی نوکمپ اما لاماسیا هم قطعاً به نوسازی نیاز دارد. آکادمی جوانان به یک خانه مناسب در شهر فوتبال خوان گامپر احتیاج دارد که سال گذشته استادیوم یوهان کرویف آن افتتاح شد اما اگر می‌خواهند لاماسیا کارکرد گذشته را داشته باشد، باید ابتدا روح آن را احیا کنند.

منبع: دیلی میل

یکی از بزرگترین محصولات لاماسیا ژاوی ارناندس دیر یا زود به بارسا برمی‌گردد و وقتی این اتفاق بیفتد به دنبال جذب بازیکن از آکادمی خواهد بود

کریم باید حداقل یک بار پی چی چی را ببرد

بنزما، مرد شماره یک رئال

کریم بنزما سال‌ها زیر سایه کریستیانو رونالدو و لیونل مسی بود اما حالا می‌تواند یک مدعی جدی برای رسیدن به عنوان بهترین گلزن اسپانیا باشد و حتی برخی او را بهترین مهاجم نوک حال حاضر جهان و بهترین مهاجم تاریخ فرانسه می‌دانند. در جدول گلزنان لالیگا، بنزما در کنار جرارد مورنو از ویارئال و یاگو آسپاس از سلتاویگو با هشت گل در صدر جدول قرار گرفته‌اند و یک گل از لوییس سوارس، میکل اویارسابال و لیونل مسی پیش هستند اما اگر گل‌هایی که از روی نقطه پنالتی زده شده به حساب نیاوریم، بنزما با هشت گل در صد یکه‌تاز می‌شود و تنها سوارس را نزدیک خود می‌بیند. مورنو چهار گله می‌شود، آسپاس و مسی پنج گله و اویارسابال دو گله خواهد شد.

بنزما هیچ وقت پنالتی زن رئال مادرید نبوده. سال‌ها این حق به رونالدو داده شده بود و حالا این سرخیو راموس است که پشت ضربات پنالتی می‌ایستد. بنزما می‌تواند پنالتی زن باشد، البته که می‌تواند. وقتی وظیفه گلزنی از روی نقطه پنالتی به او محول شده، هرگز این فرصت را از دست نداده و هر ۱۱ پنالتی‌اش را برای رئال گل کرده است اما او هر وقت لازم باشد خودش را نشان می‌دهد؛ این کل داستان دوران حرفه‌ای او است.

سال‌ها رونالدو تنها ستاره‌ای بود که باشگاه نیاز داشت اما در غیاب او و بعد از آنکه به یوونتوس رفت، بنزما به خوبی جایش را پر کرده است. در دوره اول مربیگری زین‌الدین زیدان در رئال مادرید، ۲۸ درصد گل‌های تیم را رونالدو زد. در دوره دوم مربیگری زیدان بنزما ۲۹ درصد گل‌ها را زده است.

مهاجم فرانسوی در رقابت‌های مختلف این فصل ۱۲ گل زده که چهارتایش در لیگ قهرمانان بوده.

حالا که مسی همکاری خوبی با پدری ایجاد کرده و با لبخندی که روی لبش نقش بسته و با آن بازی می‌کند، شاید با ثبات بیشتری نسبت به قبل گل بزند و این مزیت را نسبت به بنزما دارد که می‌تواند تمام پنالتی‌های تیم را گل کند اما بنزما شاید فرصتی بهتر از این برای اینکه به جایزه بهترین گلزن لالیگا موسوم به پی چی چی برسد، پیدا نکند. جایزه به نام رافائل مورنو آرانسادی نامگذاری شده که در دهه دوم قرن گذشته گلزنی برای اتلتیک بیلبائو برایش تفریح شده بود. رسیدن به این عنوان دستاورد بزرگی محسوب می‌شود و بنزما این شایستگی را دارد که قبل از کنار گذاشتن فوتبال حداقل یک بار به آن برسد.

البته بازنشستگی خیلی در برنامه‌های او نیست. دیدیه دشان مربی تیم ملی فرانسه مدت‌ها است به او اعتقادی ندارد و برای همین نسبت به سایر بازیکنانی که در سن و سال او هستند، مسافرت‌های کمتری داشته و شرایط فیزیکی بهتری دارد. این مهاجم ۳۳ ساله می‌تواند تا مدت‌ها به بازی ادامه دهد و اگر حتی نتواند به عنوان آقای گلی لالیگا برسد، رکورد گلزنی‌اش که ۳۲ گل در فصل ۲۰۱۲-۲۰۱۱ بود به راحتی در معرض شکستن قرار دارد.

خوسه لوییس مندیلیبار، مربی ایبار، هفته گذشته بنزما را کامل‌ترین مهاجم جهان توصیف کرد. توانایی او در بازی در کناره‌ها یا رفتن به میانه میدان همیشه کمکش کرده و باعث شده مکمل ایده‌آلی برای هر زوج گلزنی در خط حمله باشد ضمن اینکه بارها ثابت کرده خودش هم توانایی گل کردن پاس‌های مورب و سانترهای ارسالی از طرفین را دارد هر وقت که لازم باشد.

خیلی گذشته از آن روزهایی که ژوزه مورینیو به او لقب «گربه»اش را داده بود و توانایی‌هایش را در مقایسه با گونسالو ایگواین ناچیز می‌دانست: «وقتی برای شکار بروم و سگم را همراه نداشته باشم، از گربه‌ام استفاده می‌کنم.» اگر بنزما همیشه از حمایت مورینیو برخوردار نبود، هیچ نگرانی بابت تفکر رئیس باشگاه درباره خودش ندارد. فلورنتینو پرس شاید مهم‌ترین حامی بنزما باشد از سال ۲۰۰۹ که توانست جلوتر از منچستریونایتد، او را از لیون بخرد. زیدان هم او را خیلی دوست دارد. اخیراً از او پرسیدند آیا بنزما را بهترین مهاجم تاریخ فرانسه می‌داند و او جواب داد: «از نظر من بله، هست.»

دشان موافق نیست و حتماً به قهرمانی فرانسه در جام جهانی بدون او استناد می‌کند اما شاید این را بتوان یک فرصت استثنایی از دست رفته تلقی کرد که کیلیان امباپه و آنتوان گریزمان در حمله کنار بنزما بازی کنند.

هنوز این فرصت هست که بنزما در مادرید کنار امباپه بازی کند. رئال امیدوار است انقلاب فرانسوی زیر نظر زیدان به ثمر برسد و امباپه با پایان قراردادش به پایتخت اسپانیا بیاید اما قبل از آن باید در لیگ قهرمان بشوند و بنزما به پی چی چی برسد تا خودش را در جدول بهترین گلزنان تاریخ رئال مادرید بالا بکشد. بنزما با ۲۶۱ گل در رده پنجم است، سانتیانا با ۲۹۰ گل در دسترس او است و بعد از آن آلفردو دی استفانو با ۳۰۸ گل اما رائول با ۳۲۳ گل و رونالدو با ۴۵۰ گل فاصله بیشتری دارند.

او سال‌ها به این آمار به صورت جدی فکر نکرده بود. از آن موقع خیلی گذشته. شماره ۹ رئال مادرید در حال حاضر مرد شماره یک تیم است و بیشترین مایه امید برای اینکه به جام‌های ارزشمند برسند.

منبع: دیلی میل

زیدان، بنزما را خیلی دوست دارد. اخیرا از او پرسیدند آیا بنزما را بهترین مهاجم تاریخ فرانسه می‌داند و او جواب داد: «از نظر من بله، هست.»

یادداشت

مارک آگدن

آیا مورینیو باز هم مرتکب اشتباهات قدیمی می‌شود

آزمونی برای آقای خاص

یکی از چیزهایی که برای ژوزه مورینیو خوشایند نیست، مورد استفاده قرار گرفتن آمارهایی برای ارزیابی یک بازی فوتبال است. درست همین هفته گذشته بود که سرمربی تاتنهام مانند چندین و چند بار قبلی از این موضوع شکایت کرد و گفت که وقتی از تیمش انتقاداتی نابجا و نامربوط می‌شود، مثل گوشت یا ماهی است که بد پخته می‌شود. با این وجود یک مسأله وجود دارد که مورینیو نمی‌تواند آن را انکار کند: اینکه تاتنهام از ۱۲ امتیاز ممکن در ۴ بازی قبلی‌اش تنها ۲ امتیاز گرفته است که یکی از این امتیازات مربوط به تساوی یک-یک در خانه ولورهمپتون بود که شاگردان آقای خاص در دقایق پایانی آن پیروزی را از دست دادند.

برای یک تیم و مربی که کم‌کم دارند در قامت یک مدعی واقعی برای قهرمانی در فصل جاری لیگ برتر انگلیس ظاهر می‌شوند، نتایج ۴ بازی اخیر کمبودهای موجود را برجسته کرد و پرده از مشکلات قدیمی این تیم برداشت.

اول از همه، مشکل کمبود خلاقیت در حرکات تاتنهام به چشم آمد و مشکلات مورینیو برای انگیزه دادن به گروهی از بازیکنان که برخلاف شاگردان او در تیم‌های ابتدای دوران مربیگری‌اش، ذهنیتی جاه‌طلبانه برای کسب قهرمانی ندارند. مدیریت و حل این مشکل نباید خیلی سخت باشد اما این مشکل دوم است که به نظر می‌رسد پتانسیل به دردسر انداختن مورینیو و تیمش را دارد و تا الان هم به درستی مدیریت نشده است. این مشکل است که باید هرچه سریع‌تر حل شود و آن هم بدون آسیب‌های بلندمدت تا تاتنهام بتواند دوباره به کورس قهرمانی برگردد. حل این مشکل در جواب این سؤال نهفته است که آیا اساساً مورینیو یاد گرفته است که چگونه سطح توقعات خود را از بازیکنان پایین بیاورد و آنها را به خاطر کم‌کاری‌هایی که گاهی اوقات مرتکب می‌شوند ببخشد یا نه چون اشتباهاتی که در گذشته در این مورد مرتکب شد (به خصوص در چلسی و منچستریونایتد) منجر به تخریب رابطه او با بازیکنانش، اعتصاب بازیکنان علیه او و در نهایت اخراجش از این تیم‌ها شد.

این سؤالی است که به زودی پاسخش مشخص خواهد شد چون مورینیو نخواهد پذیرفت که اشتباهات قدیمی باعث شود تیم او برای مدتی طولانی امتیاز از دست بدهد. البته اظهارات اخیر او زمانی که تقصیرات را گردن بازیکنانش انداخت نشانه خوبی نیست. او گفت: «این خیلی ناامیدکننده است. مثل بازی‌مان مقابل لیورپول که ۹۰ دقیقه بازیکنان خطرناک حریف را کنترل کردیم و در نهایت از روی یک ضربه شروع مجدد گل خوردیم. هدف ما فرو رفتن در لاک دفاعی نبود. آنها بین دو نیمه بازی دانستند که من چه می‌خواهم اما اینکه نتوانستند بهتر از این کار کنند به خاطر این است که نمی‌توانستند بهتر از این بازی کنند. من شیوه آماده کردن تیمم برای بازی را بلدم و همه چیز را درباره آن می‌دانم. پس نمی‌خواهم چیز زیادی درباره آن بگویم. ما در این بازی آنقدر که انتظار داشتم برای کسب نتیجه‌ای بهتر انگیزه نداشتیم.» افت کنونی تاتنهام با تساوی یک-یک دو هفته پیش این تیم در خانه کریستال پالاس آغاز شد. پس از آن، این تیم به خانه لیورپول رفت و این فرصت را داشت که سه امتیاز بگیرد و حاشیه امنیتی سه امتیازی برای خودش در صدر جدول بسازد اما باخت و بعد از آن هم یک باخت دیگر را هم متحمل شد و به این ترتیب به رده پنجم سقوط کرد. در واقع مورینیو بعد از تساوی مقابل کریستال پالاس نه تنها نتوانست تیمش را به مسیر قهرمانی برگرداند بلکه شاهد عقب ماندن آن از ۴ تیم دیگر هم بود.

در خانه کریستال پالاس، تاتنهام در دقیقه ۸۱ پیروزی را با تساوی عوض کرد و در لیورپول هم ضربه سر دقیقه نودی روبرتو فیرمینو یک امتیازی که تاتنهامی‌ها گرفته بودند را از چنگ‌شان درآورد. روز یکشنبه هم در ورزشگاه مولینکس این داستان تکرار شد و ضربه سر دقیقه ۸۶ رومین سایس گلی که تانگوی اندومبله برای تاتنهام زده بود را خنثی کرد. این روند دریافت گل‌های دیرهنگام، به شدت روح و روان مورینیو را آزار خواهد داد، کسی که توجه و تأکید ویژه‌ای بر حفظ تمرکز و بازی سازمان یافته دارد. او در هر تیمی که هدایت کرده، اصول کارهای تاکتیکی‌اش را بر پایه انسجام دفاعی بنا نهاده است و از قضا در تاتنهام درست افت در همین بخش است که باعث نتایج ضعیف اخیر این تیم شده است.

از نبود خلاقیت در حرکات تاتنهام و کمتر شدن آن از زمان رفتن کریستین اریکسن از این تیم و نیمکت‌نشین شدن دله آلی و خروج احتمالی او که بگذریم، سبک بازی که مورینیو از بازیکنانش می‌خواهد آنها را بیش از سایر تیم‌ها در معرض فشار و ارتکاب اشتباه قرار می‌دهد. او حاضر است قید تملک توپ را بزند تا حریف توپ را در اختیار داشته باشد و آنقدر در حملاتش به دربسته بخورد تا سرانجام یک بار توپ را لو داده و به بازیکنان سرعتی تاتنهام این اجازه را بدهد که در ضد حملات زهرشان را بریزند. در حال حاضر بازیکنانی که مورینیو استفاده می‌کند بخصوص خارج از خانه، موقعیت‌های زیادی را برای هری کین و سون هئونگ مین نمی‌سازند و به تاتنهام هم اجازه نمی‌دهند که تملک توپ فراوانی داشته باشد. وجه منفی این موضوع در بازی مقابل ولورهمپتون، آنفیلد و سلهورست پارک مشخص شد. سبک تاکتیکی مورینیو، حریف را به تحت فشار قرار دادن مردان او دعوت می‌کند و در چنین شرایطی اگر بازیکنان او از نظر روانی هم آماده و قوی نباشند، نمی‌شود به موفقیت‌شان امید چندانی داشت. به همین دلیل مورینیو اکنون با آزمونی سخت مواجه است. او باید تاتنهام را به روزهای خوبش برگرداند اما قطعاً دشمن کردن بازیکنان با خودش در رختکن به او کمکی برای تحقق این هدف نخواهد کرد. حل این مشکل آسان به نظر می‌رسد اما تاریخ به ما نشان داده که مورینیو در چنین شرایطی پتانسیل ارتکاب اشتباهاتی که به مشکلات تیمش دامن می‌زند را دارد.

منبع: ESPN

خبر

فدرر از اوپن استرالیا کنار کشید

راجر فدرر از اوپن استرالیا کنار کشیده است. او پس از دو عمل جراحی روی زانویش، دارد آماده بازگشت به میادین می‌شود، هرچند که هنوز به آمادگی کامل نرسیده است. او که شش بار قهرمان این مسابقات شده است، از زمستان پارسال و شکست مقابل نواک جوکوویچ در مرحله نیمه‌نهایی، حتی یک بار هم به میدان نرفته است. تونی گادسیک، ایجنت فدرر گفته که دارد برنامه سال ۲۰۲۱ را برای این فاتح ۲۰ دوره گرند اسلم می‌چیند: «راجر تصمیم گرفته که در اوپن استرالیا در سال ۲۰۲۱ بازی نکند. در چند ماه گذشته، اوضاع زانو و آمادگی او بسیار بهتر شده است اما پس از مشاوره با تیم او، تصمیم بر این شد که در بلندمدت، بهترین کار این است که او پس از اوپن استرالیا برگردد. من در هفته آینده درباره تورنمنت‌هایی که از اواخر فوریه آغاز می‌شوند بحث خواهم کرد و سپس برنامه‌ای برای ادامه سال خواهم ساخت.»

رکورد عجیب لس آنجلس کلیپرز

بازی دالاس ماوریکس مقابل لس‌آنجلس کلیپرز یکی از بهترین دیدارهای این هفته NBA می‌توانست باشد اما به محض آنکه داور توپ را به هوا انداخت، اوضاع عوض شد و کلیپرز به تیمی بحران‌زده تبدیل شد.

این تیم لس‌آنجلسی نیمه اول را در حالی به پایان برد که ۵۰ امتیاز عقب بود. نتیجه در پایان نیمه اول ۷۷ بر ۲۷ بود و در تاریخ NBA سابقه نداشته که یک تیم در این برهه از بازی تا این حد از رقیب خود عقب باشد.

کاهی لئونارد غایب بود و کلیپرز نمی‌توانست بدون او کار زیادی از پیش ببرد. در نهایت ماوریکس با نتیجه ۱۲۴ بر ۷۳ پیروز شد.

مسی، غایب بازی امروز با ایبار

لیونل مسی در بازی امروز بارسلونا برابر ایبار غایب خواهد بود. او به درمان مچ پایش ادامه می‌دهد و در تمرینات بارسلونا پیش از بازی با اوئسکا حضور خواهد یافت.

باشگاه اعلام کرده به کاپیتانش اجازه داده که تعطیلات کریسمس طولانی‌تری را داشته باشد. مسی به روساریو در آرژانتین رفته تا با خانواده‌اش وقت بگذراند. به این ترتیب او بازی امروز با ایبار را از دست می‌دهد. مسی قرار است به درمان مچ پایش ادامه دهد و انتظار می‌رود در بازی هفته آینده مقابل اوئسکا به میدان برود.

مسی در هفته‌های اول شرایط خوبی نداشت اما در هشت بازی اخیرش، شش گل از هفت گل بارسا در لیگ را به ثمر رسانده است. بارسلونا در لیگ پنجم است و هشت امتیاز کمتر از اتلتیکو مادرید دارد. آنها یک بازی هم بیشتر از اتلتیکو انجام داده‌اند.